



تحلیلی بر بیانات اخیر امام خامنه ای در باره جنگ ترکیبی دشمن

برنامه جامع دشمن زیر ضربات اراده ملت

13 آبان، 1402 - akbari 14:13

امام خامنه ای درباره جنگ ترکیبی اخیر دشمن در یک جمله اینگونه تحلیل کردند «برنامه جامع ولی محاسبات اشتباه» تحلیل این مطلب به دویخس نیاز دارد ابتدا درباره برنامه دشمن و سپس درباره علل اشتباه بودن محاسبات دشمن بحث خواهیم کرد.

برنامه جامع دشمن برای براندازی

دشمن از 4 سال پیش برای سرنگونی نظام جمهوری اسلامی برنامه ریزی کرد که نوشتن برنامه جامع در فرآیند 4 ساله انجام شد. اتاق های مشترک فکر دولت های اروپایی و امریکایی در این برنامه ریزی نقش آفرینی کرده اند. در این طرح، طراحان و مجریان و پشتیبان های مالی و عناصر میدانی و تیم های هماهنگ کننده داخل و خارج دقیقاً مشخص شده است.

برای برنامه ریزی نیازمند اطلاعات دقیق در داخل کشور بودند که این اطلاعات از طریق جاسوسان و برخی نظرسنجی هایی که از طریق تلفن و چه بسا از طریق پرسش هایی که از طریق فضای مجازی بدست آورده اند به جمع بندی رسیده اند. نتیجه این تحقیق چنین بوده است که بخشی از ایرانیان از نظر ذهنی از جمهوری اسلامی عبور کرده اند و در یک جمله خلاصه کرده اند که ایران در شرایط انقلاب است. برخی از نظریه پردازان بر این باورند برای براندازی باید یک اقلیت قوی و موثر و بزرگ که نظام نتواند آن را مهار کند و لذا رسماً اعلام کردند که با یک اقلیت 200 هزار نفری می توان انقلاب کرد. (این مطلب برای امیدبخشی به عناصر داخلی در روزنامه آسیا ... در نیم صفحه اول به چاپ رسید.) طراحان براندازی در یک سال اخیر روی این موضوع کار کرده اند که چرا این ایده ذهنی در خارج به وقوع نمی پیوندد و چه کنیم که این ایده عینیت پیدا کند؟

بعد از مدتی مطالعه و بررسی به این نتیجه رسیدند که یکی از مهم ترین دلایل عینیت پیدا نکردن آن ایده ذهنی، این است که در ذهن مردم ناراضی، نظام اسلامی ایران رفتنی نیست، به همین دلیل به خیابان نمی آیند. بنابراین باید کاری کنیم که در ذهن مردم ناراضی، نظام رفتنی شود. برای ایجاد چنین ذهنیتی، دو پروژه کلان داخلی و خارجی در دست اقدام قرار گرفت.

الف. پروژه کلان داخلی :

1. ترور شخصیت رهبری

دشمن در جمع بندی خود به این نتیجه رسیده بود که نقطه ثبات و مرکز ثقل نظام اسلامی رهبری امام خامنه ای است. بر حسب اعترافات مکرر در 30 سال اخیر، ایشان می توانند نقشه های بسیار پیچیده دشمن را که هزاران نفر و هزاران ساعت روی آن کار شده است را خشی و بی اثر سازد. در 43 سال گذشته تمام همت خودشان را بر ضد اصل ولایت فقیه و شخص حضرت امام خامنه ای به کار گرفته بودند ولی نتیجه دلخواه آنها حاصل نشده بود. در این مرحله به این جمع بندی رسیدند که از دو ناحیه حمله به ایشان را در اولویت قرار دهند از یک سو شایعه فوت معظم له را در دستور کار قرار دادند، ابتدا این شایعه

در روزنامه معتبری به نام نیویورک تایمز مطرح شد روزنامه ای که از جهت اعتبار خبر، معروف به درج اخبار و تحلیل های معتبر است. طرح این خبر از یک ماه قبل از آغاز فتنه، و صدور بیانیه میر حسین موسوی مبنی بر تلاش جمعی برای مشخص کردن جانشین رهبری و دست به دست شدن این خبر جعلی در دیگر رسانه های دشمن و فضای مجازی داخلی به حدی وسیع

بود که وقتی حضرت ایشان در دانشگاه امام حسن علیه السلام حاضر شدند این شبهه مطرح شد که سخنران مراسم بدل معظم له بوده است! و کار به جایی رسید که در سیمای جمهوری اسلامی نیز به این شبهه پاسخ داده شد. از سوی دیگر ترور شخصیت امام خامنه ای در دستور کار قرار گرفت به گونه ای که یکی از شعارهای مطرح در اغتشاشات و دیوار نویسی ها

شعار علیه شخص معظم له بود. هدف از این اقدام زشت، علاوه بر شکستن قداست رهبری، منفعل ساختن ایشان بود. آنها بر این باور بودند که شعار «مرگ بر دیکتاتور» موجب انفعال رهبری خواهد شد زیرا نظام برای اینکه اثبات کند دیکتاتور نیست در برابر خواست های نامشروع اغتشاش گران و حامیان خارجی آنها کوتاه خواهد آمد و این موجب تقویت جبهه براندازان خواهد

شد.

2. خشونت بی سابقه

در فتنه اخیر، اعمال خشونت نسبت به فتنه های قبلی، بی سابقه ترین خشونت های زبانی مانند فحش های رکیک ناموسی و خشونت های فیزیکی و بدنی مانند اعمال شکنجه های قرون وسطایی یا داعشی نسبت به نیروهای بسیجی و نیروهای انتظامی دنبال می شد. هدف از اعمال این حجم از خشونت، یکی از امور ذیل است:

یکم ریختن ترس از نیروهای نظام و دوم محافظه کار کردن نیروهای نظام ج. اقدام متقابل خشونت آمیز نیروهای نظامی و انتظامی.

دشمن می خواست با اعمال این حجم از خشونت ابتدا نیروهای نظامی و انتظامی را منفعل سازد و به گونه ای عمل شود که دیگر مردم از آنها هراسی نداشته باشند. و از سوی دیگر نیروهای مسلح عصبانی شده دست به اقدامات خشونت آمیز بزنند. اقدام خشونت کلامی و فحش های جنسی نیز به این منظور انجام شده که بتوانند ذهنیت رفتنی بودن نظام را تقویت کنند.

3. انگاره پایان نظام

زمان تعیین کردن برای تحقق براندازی در جهت ترساندن ملت ایران به منظور یارگیری برای براندازی، به همین جهت گفته می شد پایان پایانی یا پایان آبان و یا این که آخرین برف را نمی بیند

4. شبیه سقوط شهرها

هدف این بود که چنین القا کنند بخش های از کشور از دست نظام خارج شده است پس بقیه شهرها نیز در حال سقوط هستند. شایعاتی از قبیل سقوط پناه، جوانرود و مهیاد و ... در همین راستا انجام شده بود. این گونه شایعات می توانست موجب تضعیف روحیه طرفداران نظام و نیروهای بسیجی و نظامی و انتظامی گردد.

5. شایعه فرار مسوولان

در این مدت برای تضعیف روحیه ملت، دایما در رسانه های گروهی این گونه وانمود می کردند که عده ای از مسوولان بلندپایه از کشور فرار کرده اند. این شایعه توی دلت را خالی می کرد و آشوب گران و اغتشاش گران در میدان را امیدوار می ساخت که کار نظام تمام است و در یک قدمی پیروزی و انقلاب قرار دارند.

6. هماهنگی اپوزوسیون و مخالفان نظام

یکی از برنامه های دشمن در برنامه جامعی که دیده بودند هماهنگ کردن همه مخالفان نظام بود. از این رو همه نیروهای پیاده دشمن از تجزیه طلبان گرفته تا اصلاح طلبان و سلطنت طلبان و ملی گرایان و سازمان منافقین و مارکسیست ها همه با هدف واحد که براندازی نظام اسلامی بد نقش آفرینی می کردند.

7. ایجاد جنگ مذهبی و قومیتی و شکست وحدت ملت

در برنامه جامع دشمن، جنگ قومیتی میان اقوام مختلف و جنگی شیعه سنی نیز طراحی شده بود. این برنامه می توانست نقش بسزایی در پیشبرد اهداف دشمن در جهت براندازی نظام اسلامی ایفا کند و بلکه حتی منطقه را نیز به هم بریزد.

8. همراه کردن سلبریتی ها

در برنامه جامع دشمن، سلبریتی ها نیز نقش مهمی ایفا می کردند. سلبریتی ها در هر کشوری از طرفدارانی بویژه در نسل جوان برخوردارند. دشمن با همراه کردن بخش عمده های از آن ها در صدد بود تا جمع کثیری از مردم را در برابر نظام قرار دهد.

ب. پروژه دوم خارج ایران

دشمن در برنامه خودش نقش عناصر خارج از کشور را نیز بخوبی طراحی کرده بود. 1. متوقف کردن مذاکرات و تشدید تحریم ها

در استانه آغاز فتنه، مذاکرات احیای برجام که بایدن در انتخابات ریاست جمهوری قول داده بود، متوقف شد و علاوه بر تحریم های گذشته تحریم های جدیدی بر ضد ایران وضع شد.

2. ایجاد اتحاد و همدلی میان همه گروه های اپوزوسیون خارج از کشور

یکی از اقدامات دشمن تلاش در جهت ایجاد هماهنگی و اتحاد میان همه گروه ها و احزاب مخالف نظام اسلامی بود. همایش بزرگ 70 هزار نفری در برلین آلمان از همه گروه های مخالف نظام از سلطنت طلبان و سازمان منافقین و مارکسیست ها و تجزیه طلبان کرد و بلوچ و عرب و اصلاح طلبان فراری و حتی هم جنس گرایان و نیروهای اجاره ای از کشورهای دیگر با پرچم های مختلف بسیار حساب شده بود. این همایش بیشتر در جهت سیگنالینگ به داخل ایران بود؛ هدف این بود که به جامعه ایرانی چنین القا کنند که نظام در حال رفتن است.

3. طرح آترناتیو برای جمهوری اسلامی برای اولین بار تلاش کردند که چهره جدیدی به نام حامد اسماعیلیون را به عنوان رهبر اپوزوسیون برگزینند به طوری که حتی سازمان منافقین هم که بیش از 40 سال است در حال مبارزه است رهبری این فرد را بپذیرد. در واقع با این اقدام می خواستند به این پرسش افکار عمومی پاسخ داده باشند که در صورت سرنگونی نظام جمهوری اسلامی چه کسی می خواهد رهبری دولت آینده را به عهده بگیرد. مردم هرگز حاضر نیستند به رهبری چند دیوانه و جلادی مانند اشرف رجوی و ربیع پهلوی تن بدهند. کشورهای غربی را نیز مامور کرده بودند که رهبری اسماعیلیون را بپذیرند به همین دلیل بود که نخست وزیر کاناد در تجمعات مختل با وی همراهی می کرد. این همراهی در این جهت بود که این پیام به ایران منتقل شود که جامعه بین املل نیز وی را به عنوان رهبر پذیرفته است.

4. تعیین نماینده در سازمان ملل

نازنین بنیادی چهره ای که از مدت ها پیش از بازیگران اصلی سریال ارباب حلقه ها بود و نسل جوان روی او شناخت داشت به

سازمان ملل بردند و این گونه وانمود کردند که کرسی ایران در سازمان ملل در اختیار چنین چهره ای قرار می گیرد. از دست رفتن کرسی ایران می توانست پیام مهمی به داخل ایران پمپاژ کند که کار نظام اسلامی تمام است و نظام رفتنی است.

5. به کارگیری واژه انقلاب برای اغتشاش اخیر
شخصیت های مطرحی مانند مکرون و بایدن و تروردو و نخست وزیر سه کشور غربی از اغتشاشات اخیر از عنوان «انقلاب» استفاده کردند به کارگیری این واژه، عملاً این پیام را به داخل پمپاژ می کرد که تغییر اساسی در شرف وقوع است. محاسبات غلط

برغم چیدن برنامه جامع برای براندازی که به تعبیر حضرت آقا باید در دل به آن ها آفرین گفت، ولی این برنامه ای که 4 سال روی آن کار شده بود و در اتاق های مشترک اروپایی و امریکایی طراحی شده بود در برابر اراده ملت به شکست انجامید و نشان داد که محاسبات دشمن غلط از آب در آمد. درباره چرایی غلط در آمدن این محاسبات می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

1. نقش رهبری در خنثی سازی برنامه دشمن

دشمن فکر می کرد با اجیر کردن چند مزدور برای توهین کردن به رهبری در فضای مجازی یا نوشتن شعار روی دیوار و در چند اجتماع کوچک می تواند از ابهت و قدرت رهبری بکاهدند. آنها از این نکته غافل بودند که رابطه مردم با ولایت یک رابطه روینایی و سیاسی محض نیست که با این گونه برنامه ها از بین برود؛ رابطه مردم با رهبری یک رابطه اعتقادی و ریشه ای است و مردم ایران امام و رهبر خویش را از عمق جان دوست دارند. به همین دلیل سخنرانی های تحلیلی معظم له در عمق جان مردم اثر می گذاشت و توطئه های بیگانگان یکی پس از دیگری خنثی ساخت. علاوه بر آن تدابیر رهبری در مقابله با برنامه دشمن این بود که نباید مسوولان نظام در پازل دشمن بازی کنند. این تدبیر حکیمانه عملاً حرکت دشمن را متوقف و بی اثر کرد. برای مثال می توان به سخنان ایشان در مراسم وحدت و اعزام نماینده ویژه به استان سیستان و بلوچستان برای خاموش کردن جرقه های اختلاف اشاره کرد.

2. نداشتن چشم انداز روشن برای آینده کشور

دشمن برغم داشتن برنامه جامع برای براندازی، نتوانست چشم انداز روشنی برای آینده کشور ترسیم کند. مردم دقیقاً به خاطر نجات از بیگانه و فرار از حاکمیت استعمار گران به انقلاب دست زدند به این زودی ها تاریخ خود را فراموش نمی کنند و حاضر نیستند استقلال کشورشان را به حاکمیت بیگانه بفروشند

3. پادوهای در میدان خوش چهره نبودند

یکی از دلایلی که برنامه دشمن به شکست انجامید این بود که فکر می کرد با استخدام شصت الی هفتاد هزار عناصر معلوم الحال در سراسر کشور که عمدتاً از سنخ اوباش و اراذل بودند و در شعار های خود فحش های رکیک و ناموسی می دادند می توان انقلاب کرد. حضور چنین افرادی در تابلوی کار دشمن موجب شد که مردم این حرکت را بشناسند و در برابر آن ها صف آرای کنند.

4. دستاوردهای عظیم انقلاب اسلامی

مردم ایران برغم تبلیغات سنگین عناصر داخلی و خارجی دشمن و بمباران رسانه ای، بر علیه کارآمدی نظام، بخوبی با دستاوردهای انقلاب اسلامی آشنایی دارند و می دانند که انقلاب اسلامی برای آنها چه عزتی به ارمغان آورده است. آن ها روزهای سخت و ننگین دوران پهلوی را از یاد نبرده اند و قدرت و اقتدار امروز ایران را نیز بخوبی می دانند. مردم هرگز حاضر نیستند دوباره به عصر فجری و پهلوی و دوران سیاه استعمار برگردند.

نویسنده:

قاسم روانبخش [1]

دسته بندی مطالب:

صفحه اول [2]

نشانی

منبع: <http://partosokhan.ir/content/%D8%A8%D8%B1%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87-%D8%AC%D8%A7%D9%85-%D8%B9-%D8%AF%D8%B4%D9%85%D9%86-%D8%B2%DB%8C%D8%B1-%D8%B6%D8%B1%D8%A8%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D8%B1%D8%A7%D8%AF%D9%87-%D9%85%D9%84%D8%AA?page=9>

پیوندها

<http://partosokhan.ir/taxonomy/term/49> [2] <http://partosokhan.ir/taxonomy/term/73> [1]